

یاران روحانی

با تقدیم تحیات امنع ابھی و با امید به موفقیت فرد فرد شما عیان در خدمت به عالم انسانی انسان در طول تاریخ طولانی خود همواره با ظلم و بیعدالتی مواجه بوده است و در هر زمان و بنا بر هر شرایطی راهی برای مقابله با آن اندیشیده و به کار گرفته است. آنچه تجربه انسانی نشان میدهد آنست که به کارگیری خشونت در مقابل خشونت شاید به ظاهر و در برخی مواقع مؤثر باشد اما از میان برنده آن نیست. از این رو مفاهیمی در قالب "خشونت پرهیزی" در مواجهه با ظلم در جوامع گوناگون شکل گرفته است. در این برنامه سعی بر آن است تا با مطالعه آثار مبارکه و تأمل در مضامین آن به بررسی روش بهائیان در مقابل خشونت پردازیم با این امید که بتوانیم در شرایط مورد نیاز در خصوص این دیدگاه با دیگران به صحبت بنشینیم و از سوی دیگر این روش مؤثر را در حیات فردی و روابط اجتماعی خود به کار گیریم.

تأییداتان مدام

حضرت بهاء الله میفرمایند:

"به عالم انسانی به مُرافقت و بردباری ساکن و مُستریح و الّا هر روز جدالی و نزاعی برپا. از حقّ متعال این فانی آمل و سائل که ضغینه و بغضا را از عالم بردارد و اختلاف را به اتّحاد و نفاق را به وفاق مبدّل فرماید. اوست بر هر شیئی قادر و توانا.

آیات الهی ج ۲ ص ۱۶۰

عنوان: پرهیز از خشونت

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

۳- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

۴- حضرت مولی الوری که عالم انسانی را به این روش مقابله دعوت میفرمایند

قسمت اداری

۵- بهائیان نه به انتقام جویی و خشونت روی می آورند و نه برچسب قربانی بودن را می پذیرند

۶- امتیاز ابدی و افتخار سرمدی

۷- آنچه بهائیان در مقابل ظالمان انجام میدهند

۸- حضرت عبدالبهاء و تاجر مسیحی

۹- نفس اجتماع، سبب تفریق نفوس موهومه است

۱۰- عبدالبهاء کنشگر و شهروند جهان

۱۱- عکس العمل بهائیان در مواجهه با بی عدالتی ها

۱۲- شور و مشورت

در مسیر عدالت خواهی، بهائیان به جای خشونت در مقابله با ظلم، چه راهکارهایی را در پیش میگیرند؟

۱۳- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۴- انس و الفت

۱۵- مناجات خاتمه (به انتخاب جمع)

۱- مناجات شروع

بارها کریمما رحیما، چه کُفران از عباد ظاهر شده که از امواج بحر رحمت محروم مانده‌اند و از اشراقات انوار آفتاب ظهور ممنوع گشته‌اند. الهی اعمال جُهال را به اسم ستّارت ستر فرما. تویی کریمی که ذُنُوب مُذنبین بخششت را منع نمود و باب فیضت را سد نکرد. یک حرف از کتاب جودت، علّت وجود شد و یک قطره از دریای رحمتت، سرمایه غیب و شهود. با کمال عجز و نادانی و فقر و ناتوانی بدایع فضلّت را می طلبیم. به حبّلتش متمسّکیم و به ذیلش متشبّث. ای خطاپوش، خطاها را بپوش و به طراز عفو اکبر مزین دار. تویی آن توانائی که به یک اراده، ناتوانان را مطلع اقتدار و ضعیفان را مصدر اختیار نمائی. لا اله الا انت العلیم الخبیر وانت العزیز الحکیم وانت الغفور الرحیم والفضال کریم.

مائده آسمانی، ج ۷، ص ۲۱۹

۴- حضرت مولی الوری که عالم انسانی را به این روش مقابله دعوت میفرمایند "از شما میخواهم هر یک از افکار خود را متوجه محبت و اتحاد کنید، هر وقت فکر جنگ خطور کند با فکری قویتر که صلح است آنرا مقاومت نماید.. خیال و فکر عداوت را باید با فکری قویتر که محبت است محو کرد، هر وقت سپاه عالم با سیوف و سنان بخونریزی پردازند، جنود الهی باید به کمال مهربانی دست در دست هم دهند تا این توحش بعنایت و فضل الهی که مقلب قلوب طاهره و نفوس مخلصه است محو گردد، گمان نکنید که صلح عالم امریست مستحیل.. هیچ چیز با الطاف الهی مستحیل نیست.. اگر تمام قلب آرزوی آشتی و دوستی با هر جنس و نژادی داشته باشید، فکرتان روحاً و مادياً سرایت کند و آرزوی دیگران هم همین شود، قوتش شدیدتر گردد تا فکر عمومی شود."

بهاء الله و عصر جدید ص ۱۸۴

۲-بیانات مبارکه حضرت بهاءالله

"مَنْ اغْتَظَ عَلَيْكُمْ قَابِلُوهُ بِالرَّفْقِ وَالَّذِي زَجَرَكُمْ لِاتْرَجْرُوهُ دَعُوهُ بِنَفْسِهِ وَتَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ الْمُنتَقِمِ الْعَادِلِ الْقَدِيرِ."

آیه ۱۵۳ کتاب اقدس

مضمون: هر کس با شما به خشونت و غیظ مقابله و رفتار کرد شما جواب او را به محبت و رفق بدهید و کسی که شما را بیازارد شما او را نرنجانید او را به خودش واگذارید و توکل و اعتماد کنید بر خداوندی که انتقام گیرنده، عادل و توانا است.

"قسم به آفتاب فجر توحید که اگر احبای الهی کشته شوند، نزد این عبد محبوب تر از آن است که به نفسی تعرض نمایند. بگوای عباد جمال رحمن لأجل احيای عالم و اتحاد اهل آن ظاهر شده نه از برای تفریق و سفک دماء"

امر و خلق ج ۳ ص ۱۹۳

"الحمد لله ظلم نمودید و مظلوم واقع شدید. در صدد اذیت نفسی نبودید و به منتهی اذیت مبتلا گشتید. از برای خلق به کمال شفقت از حق رحمت خواستید، سَطَوْت و نَقَمْت دیدید. آزادی خواستید، به اسیری رفتید. جمیع اشجار فردوس به طُوبی لَكُمْ ناطق... وصیت این مظلوم آنکه این مقام بلند اعلی را از دست مدهید، از شئون انسانیت در هیچ احوال خارج نشوید. اخلاق و اطوار سباع و وحوش را به اهلش واگذارید بشنوید و نگوئید.. عطا نمائید و در صدد اخذ عطا نباشید. انشاءالله امام وجوه هر یک از شما، علم عدل و رایت عقل مشاهده شود و البته از این اعمال پاک و اخلاق پاکیزه طاهره، انوار عدل که از ظلم ظالمین محجوب و مستور است به اسم الهی اشراق نماید."

نقل از سخنرانی دکتر سعیدی در در کنفرانس سالانه انجمن مطالعات بهایی آمریکای شمالی

۳-بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

"با وجود این که بهائیان شجیعند و دلیر، و هریک در میدان حرب و ضرب، مقاوم جم غفیر، و چون به جنگ برخیزند، صولتی انگیزند که صفوف اعدا را فوراً در هم شکنند. زیرا تجربه شده که در شجاعت مثل و مانند ندارند. ولی چون به امر مبرم الهی مأمور به صلح عمومی هستند و مکلف به مظلومیت کبری، لهذا اگر ستمکاری دست تناول بگشاید و مانند گرگ تیز چنگ هجوم نماید، احبای الهی مانند اغنام تسلیم شوند ابداً مقاومت ننمایند. بلکه تیغ و شمشیر را به شهد و شیر مقابله نمایند. زخم به جگر گاه خورند، دست قاتل را بیوسند. و در سیل الهی جانفشانی نمایند. از برای ستمکار استغفار کنند. و طلب عفو از پروردگار نمایند."

مکاتیب جلد ۳ ص ۱۲۳

"ای حزب الله، مبادا خاطری بیازارید و نفسی رامحزون کنید و در حق شخصی چه یار و چه اغیار، چه دوست و چه دشمن، زبان به طعنه گشایید. در حق کل دعا کنید و از برای کل، موهبت و غفران طلید. زنهار زنهار از اینکه نفسی از دیگری انتقام کشد ولو دشمن خونخوار باشد. زنهار زنهار از اینکه نفسی خاطری بیازارد ولو بدخواه وید کردار باشد. نظر به خلق ننمایید توجه به خالق کنید. قوم عنود را ببینید، رب الجنود را ملاحظه کنید. خاک را ببینید پرتو آفتاب تابناک ببینید که هر خاک سیاه را روشن و پدیدار کرده."

مکاتیب جلد ۳ ص ۱۶۱

انتقام عقلاً نیز مذموم است، چه از انتقام از برای منتقم ثمری حاصل نشود. مثلاً اگر کسی ضربتی زند. شخص مضروب اگر به انتقام بر خیزد و او نیز شخص ضارب را ضربتی زند، چه فایده از برای او حاصل، آیا زخمش مرهم یابد و دردش درمان پذیرد؟ استغفرالله و فی الحقیقه هر دو عمل یکی است، اذیت است. ولی تفاوتش تقدّم و تأخر است.. لهذا شخص مضروب اگر عفو نماید بلکه بالعکس معامله کند، ممدوح است. اما هیئت اجتماعیه آن ضارب را قصاص نمایند نه انتقام کشند.

مفاوضات

۵- بهائیان نه به انتقام جویی و خشونت روی می آورند و نه برچسب قربانی بودن را می پذیرند
شما البته به خوبی مطلع اید که هدف ظهور حضرت بهاءالله استقرار تمدنی لاشرقیه و لاغربیه در بسیط زمین
است، تمدنی که بر مبنای انسجام کامل نیازهای مادی و معنوی نوع انسان استوار می باشد. هم چنین آگاهید
که ایمان به آن حضرت سرآغاز تعهدی برای وقف زندگی فردی و خانوادگی در راه کمک به فرایند تأسیس
آن مدنیّت است و می دانید که تحقق این هدف از طریق تقویت و فعالیت سه عامل اصلی پیشبرد تمدن یعنی
افراد، جامعه و مؤسّسات صورت می گیرد. از آنجایی که حفظ اصالت و جبران خسارت از جمله واکنش های
طبیعی هر نهاد زنده و فعال است، زمانی که ظلمت جور و جفا موجب تعطیلی مؤسّسات اداری بهائی در آن
سرزمین شد شما سالکان سبیل هدی در مقام دو عامل دیگر یعنی فرد و جامعه موفق شدید با استمداد از قوای
خلاقه عهد و میثاق این فقدان موقت را تلافی نمایید.

از اینرو افراد می کوشند تا به مدد فکری مثبت، با روحیه یادگیری و قوه ابتکار شخصی به انجام وظایف روحانی
فردی و دیگر خدمات امری خود ادامه دهند و در این راه یکدیگر را تشویق و مساعدت نمایند؛ تلاش می کنند
تا ترویج اصول اخلاقی، پیشبرد تربیت روحانی کودکان و نوجوانان، و بسط دیگر فعالیت های جامعه سازی
جزئی از زندگانی روزمره آنان گردد؛ مسائل گوناگون حیات فردی و جمعی خویش را با حفظ وحدت و اتحاد
از طریق تبادل نظر حل و فصل کرده و با وجود محدودیت های ظالمانه، در راه امرار معاش کوشا و در امور
انسان دوستانه پیش قدم و با هم وطنان شریف به همکاری مشغول اند. در مقابل تضییقات، صبورانه به استقامت
سازنده خود ادامه می دهند، با شهادتی خردمندانه اتهامات و افتراءات پوچ و بی اساس را رد می کنند و با
پی گیری اقدامات قانونی برای دفاع از حقوق حقه خود، منبع الهامی برای دیگر مردمان ستمدیده
گشته اند. علی رغم مظلّم عدیده نه به انتقام جویی و خشونت روی می آورند و نه برچسب قربانی بودن را
می پذیرند بلکه برعکس، مفتخر و سربلند، با انقطاعی بی نظیر، همّتی خلل ناپذیر، اراده ای آهنین و ایمانی
محکم و رزین، آرمان های ارزشمند خود را دنبال می نمایند.

پیام ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۵

۶- امتیاز ابدی و افتخار سَرمدی

"به راستی بدانید که در این جهان متلاطم و پرابتلا که مردمانش از خشونت به ستوه آمده‌اند و به ویژه از خشونتی که به اسم دین مجرا می‌گردد، مُنْجِر و گریزانند، اگر نفسی به دیده انصاف و به چشم پاک و عاری از تعصبات بنگرد، روش و منش جامعه بهائیان ایران بر اعجاز حضرت بهاءالله و قوای پرتوان صلح‌آفرین و وحدت‌بخش امر مبارکش دلیلی است کافی و برهانی است باقی. آن عزیزان با تمسک به تعالیم آن حضرت و با رفتار و کردارشان، تجلی خصائل روحانی و فضائل معنوی در عالم انسانی را گواه صادقند و امکان تحقق بنای اجتماعی متنوع و متحد و پیشرو و پویا را شاهد ناطق.

مرحبا و هزار مرحبا این است مفهوم راستین دین الهی، این است امتیاز ابدی و افتخار سَرمدی. موهبتی این چنین را کم نشمیرید و در رفعت مقام مَرُوجان واقعی صلح و آشتی و در سُمُودِ درجات عاشقان حقیقی عالم انسانی هرگز شک و تردیدی به خود راه ندهید.

قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی، مورخ اول شهریور ۱۴۰۱

۷- آنچه بهائیان در مقابل ظالمان انجام میدهند

«بهائیان خواهان عدالتند و طالب داد و انصاف ولی نه در پی تلافی و انتقام. قلوبشان از درد مشحون است ولی از نفرت و دشمنی آزاد و مبرا، نگرانند ولی محبت و رأفتشان به دیگران بی‌انتهای، تنگ‌دستند ولی طبعشان بلند و مقاصدشان والا، بی‌سر و سامانند ولی خود برای سایرین ملجأ و پناه، گرفتار در دام کینه‌وراند ولی روحشان طایر و پُران، مظلومند ولی در حق ظالم خیرخواه. اطفالشان را نه به ترویج خشونت و ستیز بلکه به مهربانی و بخشش تربیت می‌نمایند که خاطر موری نیازارند تا چه رسد به انسان.»

قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی، مورخ اول شهریور ۱۴۰۱

۸- حضرت عبدالبهاء و تاجر مسیحی

این داستان از زبان حضرت ورقه مبارکه علیا بیان می شود
بعد از آزادی ما از قشله و به پایان رسیدن این دوره از امور، برادرم توانست آزادانه با مردم عکاً معاشرت کند، و
با آنها روابط صمیمانه برقرار نماید. روشی که او توانست تدریجاً حُسن نیت آنها را جلب کن نمونه و مثال بود.
واقعه ای در این رابطه روی داد که میل دارم آن را تعریف کنم.

احباً نیاز به سوخت داشتند، اما مردم حاضر نبودند به آنها بفروشدند. آنها ما را مُرتد می دانستند و تصور می کردند
شایسته و بایسته چنان است که با ما با خشونت و نامهربانی رفتار کنند. حضرت عبدالبهاء اجازه یافتند کسی را
برای تهیه زغال به خارج از شهر بفرستند، و یک بار شتر زغال تهیه و وارد شد. تاجر مسیحی شتربان را متوقف
کرد و گفت، "این از زغالی که من تهیه می کنم بهتر است" و بدون تشریفات بیشتر آن را به نفع خود مصادره
کرد و حاضر نشد دیناری بابت آن پرداخت کند.

این رویداد به استحضار برادرم رسانده شد. او به مغازه تاجر رفت و دم در ایستاد. اعتنایی به او نشد. بعد وارد شد
و دم در نشست. تاجر به معاملاتش با دیگر کسانی که نزد او بودند ادامه داد و به برادرم توجهی نکرد. برادرم
سه ساعت ساکت و آرام منتظر نشست. سرانجام، وقتی دیگران رفتند و دیگر کسی نیامد، تاجر رو به او کرد و
گفت، "تو یکی از آن زندانی ها هستی که اینجا آورده شدند؟" حضرت عبدالبهاء تأیید کردند. تاجر ادامه داد،
"چکار کردید که زندانی شدید؟"

حضرت عبدالبهاء جواب دادند، "چون می پرسید به شما می گویم. همانطور که حضرت مسیح را اذیت و آزار
کردند، ما نیز دچار اذیت و آزار شدیم."

تاجر پرسید، "راجع به حضرت مسیح چه میدانی؟"

برادرم به نحوی جواب داد که تاجر متوجه شد برادرم راجع به حضرت مسیح و انجیل اطلاع کامل دارد. سپس
شروع به سؤال از انجیل کرد و از جواب های برادرم بسیار خوشنود گشت، زیرا برادرم توضیحاتی می داد که او
قبلاً هرگز نشنیده بود.

بعد، از برادرم خواست که در کنارش بنشیند و این مکالمه مدّت دو ساعت ادامه یافت. در پایان مکالمه او بسیار
خشنود و راضی بود؛ سپس گفت، "زغال فروش رفته؛ نمی توانم آن را برگردانم. اما وجه آن آماده است." سپس
برادرم را تا دم در و سپس تا خیابان همراهی کرد و با احترام تمام با او رفتار کرد. از آن زمان به بعد او و حضرت
عبدالبهاء دوستان صمیمی شدند و خانواده هایشان نیز ارتباط صمیمانه یافتند.

Myron Henry Phelps and Bahiyyih Khanum, Life and Teachings of Abbas Effendi,)

۹- نفس اجتماع، سبب تفریق نفوس موهومه است.

حضرت بهاءالله از تجربه شخصی خود میدانست که در مقابل تحول خواهی، همواره واپس گرایی قد علم میکند و هر نوآوری، همواره حسادت و کهنه پرستی در پی دارد. خود به علت خدمات و نوآوریهایش، به جای ارج دیدن، به حبس و تبعید و زجر دچار شد و مناصب و اموال فراوان خود را از دست داد. «ای حبیب من، این طائر هوای الهی را غراب کین، در کمین و این صید بر عشق را، صیاد حسد در عقب" اما با این همه، این جفاها سبب نمیشد که حضرت بهاءالله در پی کسب قدرت سیاسی بیفتد، یا سلاح و خشونت برگزیند. باور داشت که پافشاری بر سازندگی، پایداری در نیکومنشی، و بردباری در سختی، خود عاقبت به ثمر مینشیند و به آگاهی همگانی می انجامد و روزی سیلی از مردمان خوش طینت، آگاه و متحد، دست به دست یکدیگر میدهند و به پشتیبانی هم دست کوتاه بینها و واپسگرایها را کوتاه میکنند. «بگو ای دوستان، ترس از چه و بیم از که؟ گلپاره‌های عالم به اندک رطوبتی متلاشی شده و میشوند. نفس اجتماع، سبب تفریق نفوس موهومه است. نزاع و جدال شأن درنده های ارض.»

کانال اندیشه

۱۱- عکس العمل بهائیان در مواجهه با بی عدالتی ها

رویکردی مشخصاً غیر خصمانه به ظلم و ستم از مشخصات بنیادین نگرش بهائیان به تغییرات اجتماعی است. واکنش بهائیان به ظلم و ستم از اعتقاد راسخ به یگانگی نوع بشر برمی خیزد و لزوم همخوانی میان ابعاد مادی و روحانی زندگی را تصدیق می کند. این رویکرد مبتنی بر دیدگاهی بلندمدت است که ایمان، صبر و استقامت از مشخصه های آن است و همزمان، هم اطاعت از قانون را می طلبد و هم در مواجهه با نفرت و آزار و اذیت مستلزم تعهدی به عشق و مهربانی است. در نهایت، در کانون این طرز فکر و عمل تأکیدی بر خدمت برای تأمین بهروزی سایر انسان ها قرار دارد. پاسخ بهائیان به ظلم و ستم، ستیزه جویانه و تقابلی نیست و در نهایت خود به دنبال درجات بالاتری از وحدت است. تأکید این پاسخ نه تنها بر اقدام جمعی بلکه بر تحول درونی است. این شیوه ای است که جامعه بهائی به شکلی آگاهانه اتخاذ کرده است. بهائیان از واکنش به ظلم و ستم، جنگ و سوانح طبیعی با انفعال و خشم قدم فراتر نهاده، سنگدلی را با صبر، تزویر را با صداقت و خشونت را با حسن نیت پاسخ می گویند و توجه خود را به اقدامات بلندمدت، سودمند و سازنده معطوف می کنند.

برشی از مقالات بهائی - مایکل کارلبرگ

"...اعتبار عبدالبهاء همانا کنشگری بخردانه اوست زیرا او می‌داند که این نه دین‌داری، بل چیره‌آمدن بر هر قسمی از نزاع و ستیزه در جهان است که باید به هدف کنشگری تبدیل شود. به بیان دیگر، گرچه او به سان بیش‌ترین کنش‌گران و آموزگاران اخلاقی جهان از بن‌مایه‌های دینی بهره می‌گیرد، اما گرفتار آن جزمیت دین‌دارانه‌ای نیست که جهان را به میدانی برای تازش و پرخاش متعصبان فرومی‌کاهد و زین رو عبدالبهاء آگاهانه تأکید می‌کند که اگر دین سبب دوئیت و خشونت باشد، همانا بی‌دینی بس بایسته‌تر و شایسته‌تر از دین‌داری است یا در جای دیگری خطاب به مردم ایران می‌گوید که از پس این همه تجربیات شکست‌خورده تاریخی و اجتماعی، یک بار هم آموزه‌های بهائی را بیازمایند و بر پایه آن‌ها عمل کنند بی‌آن که ناگزیر باشند به آیین بهائی بگردند. این خود نشان می‌دهد که عبدالبهاء بیش از هر کس دیگر از این حقیقت آگاه بود که دین‌داری یا بی‌دینی به خودی خود مشکلات انسانی ما را حل نخواهد کرد، زین رو برای دگرساختن جهان باید جهانی فکر کرد و از همه سرمایه‌های دینی، عرفانی، عقلی، علمی و ادبی جهان بهره‌مند شد. زیرا هدف نه دین‌داری یا بی‌دین‌ساختن مردم، بل دگرسازی جهان‌نگری یک‌سونگر آن‌ها، برای تحقق صلح جهانی است؛ صلحی که جز با چندسویه‌نگری و آری گفتن مردم به کثرت و تفاوت روی نخواهد داد — و آن‌گاه که صلح هم چون وضعیتی پایدار فرارسد، درهای زندگی به مثابه راه‌های آفرینش و فراشد گشوده خواهند شد..."

گوشه‌ای از نوشتجات محمود صباحی در مورد حضرت عبدالبهاء در کتاب "عبدالبهاء در انجمن عالم،"